

## پیام به خانواده ها در نوروز ۹۷ (وضعیت رقت انگیز اعضای مجاهدین در آلبانی)

بدلیل فرارسیدن عید نوروز و ۸ مارس روز جهانی زن، گوشه ایی از وضعیت اعضای سازمان مستقر در آلبانی را، همراه با عکسهای اختصاصی از پایگاه مفید را ارائه میدهم. تا خانواده ها تصویر دردناکی از آنچه می گذرد را بدست بیاورند.

### واکنش مردم آلبانی به مجاهدین

چ-ی ۲۰ یکی از اعضای جدا شده از سازمان در مرداد ۹۶ به من می گفت: «مردم در پایگاه مفید خیلی از ما تنفر داشتند. بر روی دیوار شعار نوشته بودند: «ما از شما متنفریم» «داعشی ها از اینجا گم شوید بروید.»

واقعیت این است که حتی مردم آلبانی و همسایه های در مجاور پایگاه مفید، از سازمان و اعضای آنها بعنوان داعشی نام می بردند. خانه من در ۱۵۰ متری کنار پایگاه سازمان بود و من روزانه تنفر مردم را از آنها می دیدم و می شنیدم.... این قصه سردر آزار دارد.

قسمتی از کتاب حقیقت ما را برایتان می آورم:

## فصل اول: ایدئولوژی، مفاهیم و مصادیق رهبری عقیدتی

### بخش یازدهم: دو خط موازی

#### دوسوی یک همسویی ها

در دوسوی یک جنگ و تعارض (رژیم ولایت فقیه و رجوی) از یکسو شعار «حزب فقط حزب الله - رهبر فقط روح الله» و از سوی دیگر شعار «خلق جهان بداند مسعود معلم ماست» و سپس تبدیل به رهبر ما، و البته به شعار «ایران رجوی رجوی ایران» رسید. طرفین این دوشعار و این دو خاستگاه، در دو طرف یک جاده، در نقطه مقابل و رو در روی هم صف آرایی و به مقابله پرداختند. هر چه زمان پیش می رفت، امتداد دوسوی این جاده سیاه و خونین، همچون تصویر پرسپکتیو، به هم نزدیک شده و بهم می رسند. از این پس این دو خط موازی هم می افتند و یک خط دیده شده و یکی می شوند، و آنگاه غیر از نقطه کوری چشم انداز دیگری نیست. یک سیاهچاله خطی استراتژیک و یک خلاء عظیم. دوسوی یک همسو بیها، در یک تلاقی شگفت، اینک شانه به شانه هم، چه در محتوا و چه در شکل ظنن و رنگ و بو، اتمسفر واحدی از یک توتالیتاریسم ایدئولوژیک دارند. این نهایت داستان «رهبری عقیدتی» و «ولایت فقیه» است. این دوسوی یک تعارض و جنگ، جدای از خواست اصیل مردم برای آزادی و دموکراسی، داستان دوسوی یک خاستگاه، و «دو خروس در یک کنام» است.

در مبارزه با خمینی و رژیمش، ما بجای آنکه در مسیر رو به جلو و پیشرفت، و مبارزه با ارتجاع، دیکتاتوری، بجای آنکه ما هر روز بیش از پیش در محتوا و عمل با آنها بجنگیم. متأسفانه روز بروز در مسیر رو به عقب و قهقرا، شانه به شانه آنها سائیدیم و البته در تن همدیگر فرو رفتیم. محتوای درونی سازمان و آنچه در تشکیلات می گذرد، المثنای ایدئولوژی ارتجاع است، و در مواردی بدلیل اینکه ساختار ما یک تشکیلات بود و یک محیط کوچک در حصار، از رژیم ولایت فقیه هم عقب تر ماندیم. زیرا رژیم ولایت فقیه نمی توانست مردم را همچون یک تشکیلات بسته مثل مجاهدین در یک قرارگاه محصور ۶ در ۶ کیلومتر، مقید به انجام فرامین توتالیتاریسمش سازد.

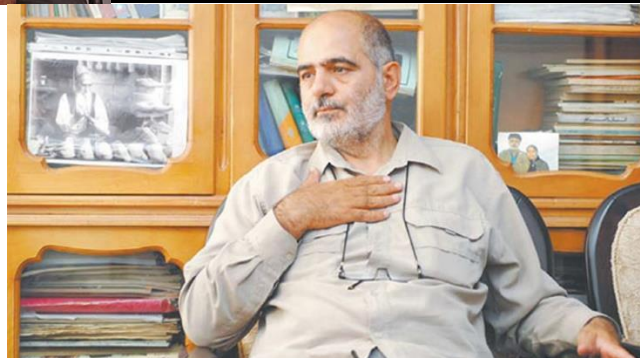
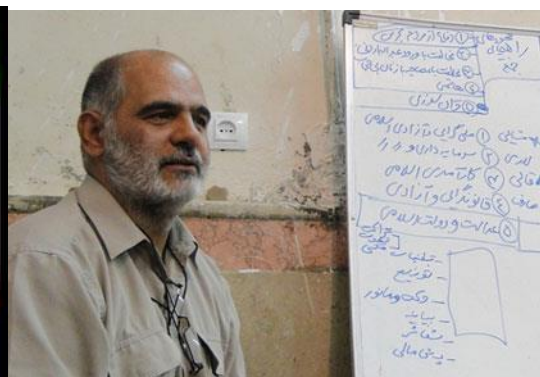
رجوی هر آنچه از خمینی می آموخت، در تشکیلات مجاهدین پیاده می کرد. زیرا بغایت میل داشت همان قدرت و اتوریته بی چون و چرای خمینی را بطور همزمان در هر سه زمینه (رهبری مذهبی، رهبری سیاسی و رهبری انقلاب) راداشته باشد. در شکل و ظاهر دونیرو و دوجریان رو در روی هم و بقول رجوی دو اسلام سراپا متفاوت و متضاد، اسلام ارتجاعی و اسلام انقلابی. اما در جوهر و محتوا، تمامی کارکردها مشابه و فرینه هم. در واقع هر آنچه خمینی با شم ضد انقلابی پیشاپیش می فهمید و عمل می کرد. رجوی همان را نصب العین قرار می داد. زیرا از نظر رجوی، خمینی خیلی هوشیاری ضد انقلابی داشت. به همین دلیل از آن الگو برداری می کرد. و بدین شکل در عمل بصورت نانوخته ایی، عملاً تبدیل شده بود به شاگرد خمینی. دو خط موازی که رجوی، گام به گام از خمینی کپی برداری می کرد. اگرچه نوشتن چنین کلامی برای من بسیار سخت و دشوار و دردناک است. اما پدیده های مادی در جهان خارج از ذهن من و ما، نه تنها ملموس، بلکه انکارناپذیرند. نمونه های این دو سوی یک همسویی ها را در گذر زمان بوضوح شتاب می گرفت را می توان دید:

(توضیح: ۳۴ محور از این همسویی ها را در کتاب آمده است. اما در این فرصت، تنها یک محور از آن (۳۵) را برایتان ارائه می دهم. تا خانواده های اعضای مجاهدین در آلبانی از وضعیت رقت بار فرزندانشان با خبر شوند.)

همسانی لباس پوشیدن در این دو سیستم

۳۵) یکی از نکاتی که توجه من را در آلبانی و امکان دسترسی به اینترنت، بسیار جلب کرد، همسانی لباس پوشیدن در این دو سیستم است. در اینترنت پیراهن حزب الهی معروف «الله کرم» را دیدم، خیلی تعجب کردم که!، چرا همان پیراهن و همان مدل و همان مارک را پوشیده، که ما در ارتش از ادیخس و سازمان پس از سرنگونی صدام، از همان پیراهن ها استفاده می کنیم! این یک اتفاق نیست، یک مسئله ارزشی، اندیشه و فرهنگ یک سیستم را نشان می دهد. زیرا بهیچوجه صحبت بر سر پوشش زنان در اسلام نیست! صحبت یک اندیشه و خاستگاه است و هم اکنون نیز در آلبانی بیشتر نفرات تشکیلاتی و مسئولین سازمان کما کان از همین لباس استفاده می کنند.

من تصاویر شاه مهره و نمادهای حزب الهی (الله کرم و حاج سعید قاسمی و حتی نیروها و یاران عراقی رژیم و آخوند حکیم در عراق و...) را در این لباس دیدم، عکس ها را ذیلاً می آورم. زیرنویس عکسها و توضیحات را بخوانید:





همان چسب پارچه ایی در درپوش جیب سمت چپ و راست ( مشابه لباس فرم در تشکیلات سازمان مجاهدین)



وحید امیری مؤسس جشنواره مردمی فیلم عمار



سردار حاج محمد طالبی در محل یادمان عملیات مرصاد... در مراسم اختتامیه اردوی راهیان نور کرمانشاه ...





لباس رسمی مجاهدین اسلام دمکراتیک مریم رجوی در لیبرتی همان مدل و مارک پیراهن



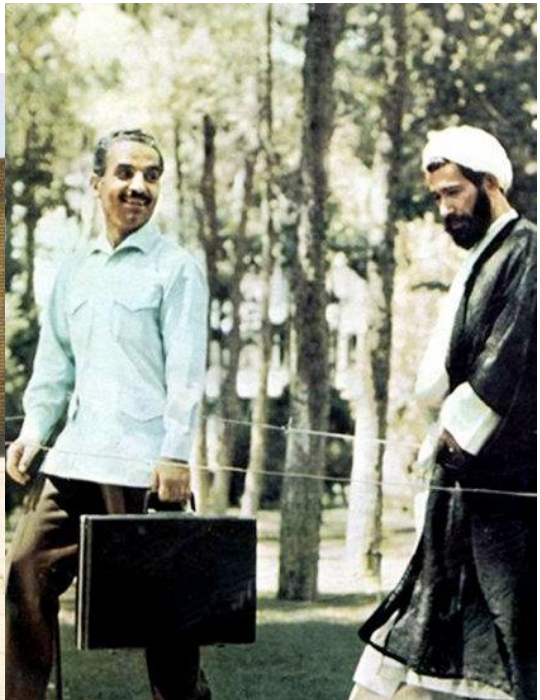
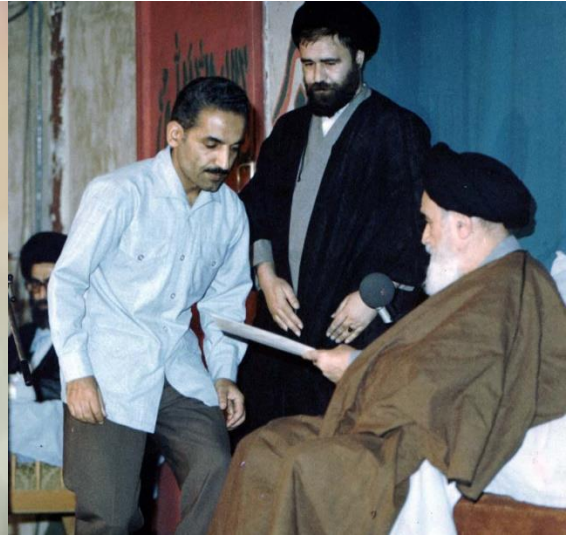
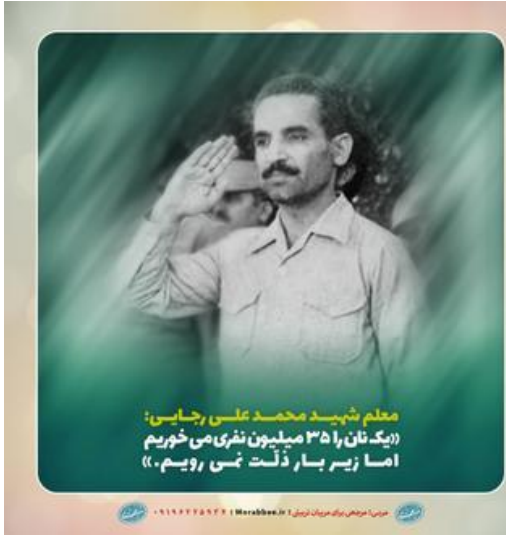


یکی از مزدوران سرکوب رژیم





مردم بدلیل لباس پوشیدن او نگفتند که: «بدون هیچ دلیلی- خاک توسر جلیلی». اگرچه اندیشه او، جدا از لباس پوشیدن او نیست! همچنانکه اندیشه محمد علی رجایی نیز چیزی جز این نبود:





این نوع لباس بیشتر از اینکه سلیقه فردی باشد نماد یک ارزش و خارج از مرزهای ایران، حتی مزدوران برون مرزی رژیم همچون همراهان سمت چپ و راست «آخوند حکیم» در عراق نیز از همین نوع لباس استفاده می کنند و همین نوع لباس را همه افراد سازمان مجاهدین سالها می پوشیدند و خود من هم از هر سه نمونه داشتم:



آخوند حکیم از مزدور رژیم و محافظین او هر دو از همان لباس مجاهدین خلق در اشرف و لیبرتی استفاده می کنند. این دو عکس را کنار هم گذاشته ام.

لباسهای اشرافیان و اعضای سازمان مجاهدین خلق

اینک همان لباسها، باهمان مدل و مارک و برند ارتجاع! در افراد سازمان مجاهدین در اشرف و لیبرتی و آلبانی استفاده می کنند را ببینید:





hamle be ashraf



اعتصاب غذا در لیبرتی



Iranian in Camp Liberty deprived of food, fuel by Iraqi agents

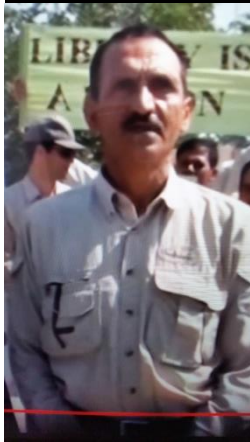


Reality of Sit in Staged by Iranian Regime Agents at Camp Liberty



#inhumanesiege











لباس استراحت و افراد در حال اعتصاب غذا که بر روی تخت افتاده اند، و گرمایی عراق در شهریور و مهرماه... نیز همین لباس است! در گرما و سرمای عراق این تنها لباس موجود برای اعضا است. البته به هر عضو، یک جاکت (سیاه و یا سرمه ایی) تعلق می گرفت. همین لباس در کارروزیهای روزانه نیز استفاده میشود:



جهانگیر (پرویز کریمیان) از مسئولان سازمان:

لباس مردان نباید بدن نما باشد!

پیشی گرفتن از رژیم در لباس های بدن نما! در سازمان، نه تنها به زنان، بلکه به مردان هم تذکر می دهند که لباس بدن نما نپوشید؟ در حالیکه بیش از یک یا دو نوع لباس در سازمان وجود ندارد؟. و آنهم توسط سازمان و مریم رجوی انتخاب می شود.

لباسهایی که همیشه دوسایز بزرگتر از اندازه تن افراد است، تا بدن نما نباشد. (این حرف مسئول و برادر ارشد مقر جهانگیر - پرویز کریمیان در نشست ها است). و گاهاً چنین جواب هایی و یا تذکراتی را هم جداگانه به جوانها می دادند. لباسهای رنگی هم وجود داشت، اما افراد حق نداشتند این لباس رنگی را غیر از مراسم جشن ها بپوشند. وقتی در مرکز ما یکی از نفرات جوان لباس روشنی را پوشیده بود، به او گفته بود که نباید این لباس در طی روز در مقر بپوشد. و بعد هم در نشست عمومی گفت: «برادران نباید لباسهای رنگی در طی روز بپوشند و به سالن غذا خوری بیایند. باید از لباس رسمی (رنگ های خاکی و طوسی، نفتی) استفاده کنند.

نمایش دروغهای تبلیغاتی مریم و مسعود رجوی در لیبرتی



## آیا مشکل در لیبرتی عدم ورود لباس بود؟

غیر این مسئله در لیبرتی سازمان بسیج تبلیغاتی و کار سیاسی می داد برای ممنوعیت ورود وسایل و اجناس، از جمله ممنوع بودن ورود لباس به لیبرتی (زیرا عراق نمی گذاشت لباسهای یکدست و فرم وارد لیبرتی شود) به همین دلیل آکسیون برگزار و افشاگری می کرد برای بهره برداری سیاسی. سازمان اطلاعیه میداد که مانع ورود لباس به لیبرتی می شوند. عکسها زیلاً می آید:

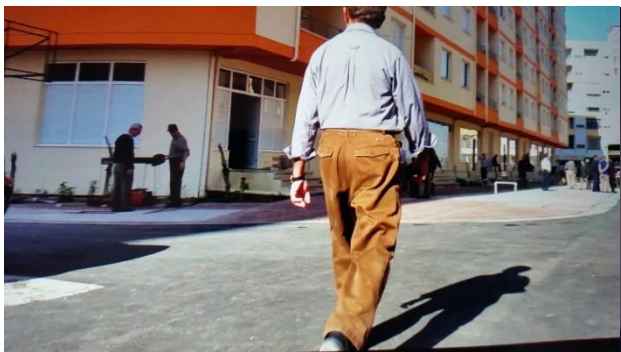


در آلبانی نیز اعضای سازمان با همین لباسها به شهر می روند. حتی کسانی که اکنون ۵ سال است که در آلبانی هستند. من افراد سازمان را در آلبانی از ۲۰۰ متری بدلیل نوع لباسشان بین جمعیت تشخیص می دهم! زیرا لباسهای آنها شاخص است و بین مردم آلبانی توی چشم می زند. و گاهاً بدلیل کهنگی و مندرس بودن، حتی اگر تمیز هم باشد، کثیف بنظر می سند. البته بعضی ها معلوم است که لباسهایشان را نمی شویند. و از طرف دیگر بدلیل دُوم شاخص بودن، به این علت است که همیشه در ترکیب ۲ یا ۳ نفره هستند و به تنهایی اجازه خروج از پایگاه را ندارند. و حتماً باید از شب قبل اسم نفر همراه خود را، برای تردد به شهر به مسئولین بدهند. و الا سازمان خودش یک نفر همراه (کوبل) تعیین می کند. آیا مشکل در لیبرتی عدم ورود لباس بود؟. مریم رجوی و سازمان اطلاعیه میدادند که: مانع ورود لباس به لیبرتی می شوند.

## عکسهای اختصاصی از داخل پایگاه مجاهدین در آلبانی (پایگاه مفید)

### لباسهای مجاهدین در آلبانی

به عکسهای اعضای سازمان در آلبانی نگاه کنید. همان لباسهای پس از سرنگونی صدام هنوز در تن نفرات است. بیشتر این عکسها در مهر ماه سال ۱۳۹۵ و یا پس از آن گرفته شده است. من به دکترومی رفتم برای زدن آمپول ضد اسپاسم، روزانه ۲ آمپول می زدم بمدت ۸ روز، و این عکسها و فیلم های دیگر را در همان وقت گرفتم. بدلیل اینکه نمی خواستم سازمان متوجه شود و زودتر دست مرا بخواند! و پیش دستی کند! مجبور بودم از کیفیت کار بزنم. همچنین باید توجه داشت که اعضای مجاهدین هنوز کمترای یکماه است که به آلبانی و مقر پایگاه مفید آمده بودند، و ظواهر و لباس مرتب و اطو کرده توجه داشتند، و پس از چندی، لباسهای افراد، تمیز و اطو کرده نبود:







لباس زنان فاجعه بارتر از اینها بود. در بخش بعدی کتاب به آن خواهم پرداخت.

آقا وخاتم مریم رجوی!

آیا دولت آلبانی به سازمان اجازه خرید لباس نمی دهد؟

این تنها در مورد لباس نیست که سازمان دروغ می گوید! در لیبیرتی هم سازمان اطلاعیه میداد که دولت مانع از خرید تلفن همراه برای ساکنان لیبیرتی می شود!.

آیا دولت آلبانی هم در تیرانا مانع خرید تلفن همراه برای اعضا میشود؟.

آیا دولت آلبانی مانع دسترسی اعضا به اینترنت می شود؟.

آیا دولت آلبانی مانع می شود اجناس و مواد خوراکی بدست اعضا نرسد؟ چقدر آلبانی ماهی ۱۰۰۰ لک ( زیر ۸ دلار) به افراد پول می پردازند که توانایی خرید یک بستنی ارزان و... هم ندارند؟ چرا کارت اتوبوس که دولت به همه جدا شدگان میدهد و حتی سال ۹۳ که ما هم تازه به آلبانی آمده بودیم و در درون سازمان و در کمپ بودیم به همه اعضای سازمان می داد اما سازمان این کارت را به ما ندادند؟ عجیب است دولت می دهد سازمان نمی دهد؟ زیرا نفقات را محدودتر کند. زیرا نفقات اگر هزار لک را خرج بلیط اتوبوس کنند، دیگر نه تنها نمی توانند خرید کنند بلکه کفاف کرایه اتوبوس ماه راه نمی دهد، و آبنه اتوبوس هر ماه ۱۶۶ لک است. این معامله ایی است که سازمان با نیروهایش انجام میدهد.

عصر ۲۸ شهریور سال ۹۵ دوتن از اعضای سازمان در خیابان صحبت می کردند من و دوستم ق- س می شنیدیم، یکی از اعضا می گفت: «می روند هر چه لباس بُنجل است برای مامی خزند.» دوسه روز پیش متوجه شدیم که نفقات سازمان لباسهای پلو خوریشان را می پوشند، و دیگر لباسهای کهنه و رنگ و رورفته ایی که حتی گداهای آلبانی هم از چنین لباسهایی استفاده نمی کردند، به تن ندارند. البته همین لباسهای پلو خوری مربوط به چند سال پیش است که همه آنها، در آلبانی از دور خارج هستند. اما بهتر از همان لباسهای کهنه شرم آور است.

دست روی هر موضوعی می گذارم، چندین مسائل دیگر هم اضافه می شود. زیرا دست روی هر کجا بگذری صدها مسئله دیگر وجود دارد که می توان در این سیستم توتالیترایسم آنرا باز کرد. اما می دانم من تنها می توانم کلیاتی را طرح کنم «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل» در فصل های بعد در «بخش آلبانی» بیشتر در این باره توضیح خواهم داد. زیرا نمی خواهم از موضع بندی بحث خارج بشوم. اما باید تأکید کنم که دروغ و دغل هم یکی از همان همسویی ها است. در واقع هر چه پیش برویم، بیشتر با این پدیده آشنا خواهیم شد. زیرا همه چیز در ارتباط تنگ تنگ بوده و برهم دیگر، تأثیر می گذارند و این سیستم در همه چیز منسجم و یکدست شده است. و یکی از آزار دهنده ترین مسائل درون سازمان، دغل و دروغ گفتن است.

## آرایش زنان در سازمان

در تشکیلاتی بودیم که مردان باید هر روز صورت خود را اصلاح می کردند! و آلا مارک لیبرالیزم و ولنگاری می خوردند. و از قضا زنان بدلیل جنگ با همان لیبرالیزم، لاجرم می باید صورت خود را اصلاح نمی کردند منظورم به هیچوجه آرایش نیست! تاجاییکه بسیاری ماه ها و حتی یک سال موی صورت آنها اصلاح نشده بود و زیر چانه موهایی به طول ۷ تا ۹ میلیمتر داشتند و بسیاری تا سال ها دست به ابرو نزده بودند.



## حرمت محو شده مردان در تشکیلات

سال ۷۴ فردی بنام عبدالکریم... فرمانده دسته، اهل کرمانشاه (با عینک کاجویی مشکی، باموهای مجعد، که در عملیات داهگشایی شهید شد) در نشست رجوی، پشت میکروفون رفت و عبارت «برادر مسئول» را نام برد. رجوی یکباره کلمه را قاپید و گفت: این کلمه «برادر مسئول» دیگر چیست؟! عبدالکریم گفت: در هر قسمت از مقرها و آسایشگاهها برادران، یک فرد بعنوان برادر مسئول است که به مسائل خاص آسایشگاه برادران رسیدگی می کند. زیرا نمی شود مسائل خاص را خواهران وارد شوند. من هم بعنوان برادر مسئول آسایشگاه خودمان هستم. رجوی گفت: «ما هژمونی را داده ایم به خواهرانتان، باز شما یک عنوانی برای خودتان ساخته اید بعنوان «برادر مسئول»؟» هیچ برادر مسئولی پیدا نمی شود! (با حالت تمسخر و مضحکه!) بعد گفت: «از این به بعد لازم نیست که در مقرها آسایشگاه برادران یک فرد بعنوان «برادر مسئول» باشد، ما برادر مسئول نخواستیم!». از آن به بعد نام عبدالکریم همیشه به تمسخر بعنوان «برادر مسئول» انگشت نما شد! و رجوی هم تا یکی دو سال از همین لقب برای تکه انداختن به برادران استفاده می کرد. در چنین نشست هایی که زنان هم بودند، می شد بر خوردهای حقارت آمیز رجوی را با مردان دید. رجوی می گفت: «برادران لمیده و خواهران تکیده» کاش با پایین رفتن مردان، و بامضحکه و تمسخر گرفتن آنان، زنان بالا می آمدند، اما آنها هم چیزی جز اسب عساری جهل، و پیمودن یک دورکور، حاصل شان نبود.



بدلیل لجن مال کردن برادران توسط رجوی در طول این سالیان ، بحثی در سالهای پایانی اشرف و ورود به لیبرتی روی میز آمد بنام «احیاء تشکیلات برادران»، اما بدلیل عمقی که این مسئله داشت و روح و روان مردان را درنوردیده بود و سیستم شورای رهبری و هرمی که تا پایین وجود داشت، هرگز این بحث به جز عبارتی فرمالیستی و آنهم برای شیریه مالیدن سربرادران نبود، و این موضوع به انتها نرسید و همچنان پس از سالیان، یکی از موضوعات روی میز تشکیلات است. این کار خوب به مرده زدن است! زیرا رجوی مُرده یک برادر را، به زنده بودنش ترجیح می دهد. زیرا اساساً هیچ برادری در سازمان و در واقع در ذهن رجوی ارزش ندارد! اگر خواهری هم ارزش دارد، تنها بدلیل سرکوب برادر مجاهد است و پس در سازمان تنها یک ارزش وجود دارد: «**رجوی!**». همچنانکه در قرآن یک ارزش مطلق وجود دارد: «**خدا!**».

می بینید! اساساً صورت مسئله ، نه زن و نه شورای مرکزی از هزار زن است! صورت مسئله همیشه برمی گردد به ریشه اصلی همه بحث های سازمان مجاهدین، یعنی منافع رهبری یله و مطلق العنان عقیدتی و شخص «رجوی». شبیه همان جُوک «واما پاکستان!» . دانش آموزی از درس جغرافیا، تنها پاکستان را حفظ کرده بود. و معلم از جغرافیای هر کشوری که از اومی پرسید. دانش آموزی گفت: فلان کشور در اروپا است یا... و اروپا کنار قاره آسیا است و در آسیا کشوری است بنام پاکستان، و اما پاکستان!، و شروع می کرد و ریز مشخصات پاکستان را می گفت...! در سازمان و تشکیلات و خط و خطوط هم همین است، همیشه می رسمیم به «واما رجوی» و رهبری عقیدتی! چون بغیر از این چیزی برای رجوی وجود ندارد.

حتی منهای همه حرفها و استدلالها، مثل همیشه در صحنه عمل و گذشت زمان، نگاه کنید و اهداف عملکرد و نتایج آنرا ببینید. همان کسی که در سال ۱۳۷۲ یکی از اعضای ۲۴ نفره شورای رهبری اولیه بود، اینک بعنوان شورای مرکزی زنان است. یعنی فاتحه شورای رهبری خوانده شد. فُپه های دوران صدام گرفته شد. تمام داستان و فیل هوا کردن و اعلام یکباره با دروغ و دغل های گفته شده، انهایه چنین است:

سایت سازمان مجاهدین

زهره شفاپی در گردهمایی بزرگ مقاومت در پاریس - 95

«سخنرانان یکی دیگر گردهمایی بزرگ مقاومت ایران در پاریس مجاهدین خلق ایران خواهر مجاهد زهره شفاپی از شورای مرکزی سازمان بود.»

باور کنید من خودم فکرمی کردم رجوی با اعضای اولیه و آن ۱۲ و ۲۴ تن از زنان سال ۷۲ و اعضای ارشد شورای رهبری چنین کاری نمی کند! اما من همیشه اشتباه می کردم! کما اینکه در شکنجه و زندان ساختن و قتل و سربه نیست کردن و...!، هنوز که هنوز است هیچ چیزی از رجوی و سازمان افشاء نشده، هنوز یک پوست نازکی کنار رفته، و اعماق لایه های متعفن مشخص نیست.

مهرتابان تحمل آفتاب شهر اشرف رانداشت



تصویر مریم در پارک اشرف و تردد با چتر جهت ممانعت از تابش آفتاب، و پا دراز کردن در مراسم عاشورای ۸۰ در حالیکه مشکل پا نداشت.





تصویر دختران میلبشیا بهنگام کار در مزرعه هندوانه اشرف





**مریم، ماتکنی برای برند رهبری عقیدتی «رجوی»**

مریم تنها یک مانکن سیاسی برای خارجه ومانکن تشکیلاتی ایدئولوژیک برای داخل تشکیلات با برند رهبری عقیدتی «رجوی» است.

در یک روز تنها برای عکس گرفتن به انواع خودرها وزرهی ها سوار شده و برای نمایش عکس می گیرد. در هر سه عکس روسری واورکت یکی است. درحالیکه با حرکت زرهی ها، در زمین خاکی بیرون قرارگاه اشرف، طوفانی از خاک وگرد و غبار تمام لباس وتانگ را دربرمی گیرد، مریم در هر سه عکس هیچ گردوخاکی برچهر ولباسش ندارد؟:



از راست عکس با کاسکاول - عکس با زرهی شنی دار «ام تی ال بی» - عکس با نفربر زرهی شنی دار «بی ام پی وان»









مریم رجوی حتی نیازمند عکس گرفتن با این صندلی است.

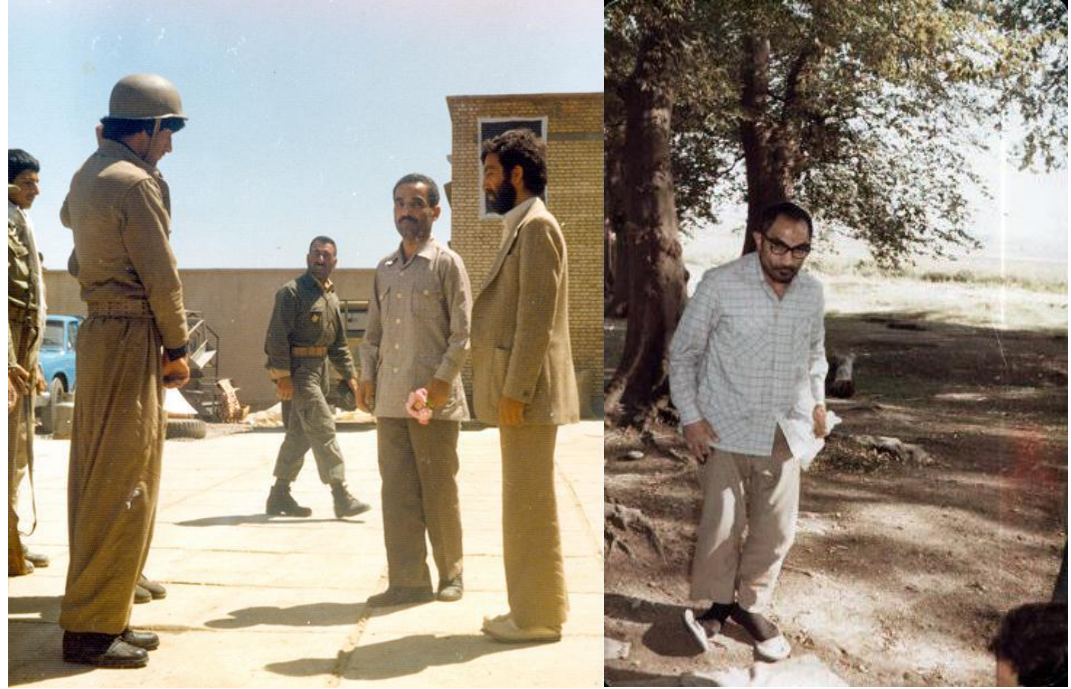


دولت نروزی نمی تواند و نباید لباسی همچون مریم بپوشد تا مریم بتواند برجسته شود. تفاوت کت دولت نروزی با محدثین چه تفاوتی دارد؟. واقعیت اینستکه اگر مریم تنها لباسهای دسته دوم این سالیان را به زنان مجاهد می داد اینک هرکدام یک لباس برای پوشیدن در بیرون داشتند. اما اگر چنین کاری صورت بگیرد در وهله نخست زیرا اب انقلاب ایندولوژیک زده می شود. زیرا زنان باید لباسی داشته باشند تا هیچ آثاری از زیبایی وزن بودن نداشته باشند.:



لباس زنان - لحظة خروج از اشرف سال ۹۱





لباس لاجوردی دژخیم اوین در سال ۶۰ و رجایی چه تفاوتی با لباس زنان مجاهد دارد؟. همین مدل لباس چهارجیبه در تن زنان مجاهد هم هست!.





تصویر چهار زن مجاهد در اتاق انتظار کمیساریا در خارج از لیبرتی، برای انجام مصاحبه، با تنها لباس فاخری که دارند. به کفشهای آنها نگاه کنید، دونمونه از این کفشها مردانه است. دونمونه دیگر را حتی پیرزنهای روستایی عراقی هم از چنین کفش هایی استفاده نمی کردند.

لباس زنان در لیبرتی، حتی به نسبت سال ۵۸ میلیشیا ها عقب تر است. سازمان بدلیل اندیشه، جز این نوع لباس، هیچ انتخاب دیگری ندارد.





زن مجاهد خلق در اروپا ، به کت وشلواروکفش اوتوجه شود.

آقا وخانم رجوی!

زوج رهبری عقیدتی!، شما می گوید: «علی» مولا ومراد مجاهدین است!.

مادر عقیدتی مجاهدین؟. مرام ورفتار پیشوای خود را بخوانید



« روزی علی با غلام جوان شان، قنبر به بازار رفتند و دو پیراهن خریدند، یکی را به سه درهم و دیگری را به دو درهم. سپس به قنبر فرمودند: پیراهن سه درهمی را تو بردار. او گفت: مولای من شما چون به منبر می روید و برای مردم خطبه می خوانید مناسب است لباس گرانتر را شما بپوشید. علی گفت: تو جوانی و مثل جوانان دیگر، به زیبایی علاقه داری. من از خدا شرم می کنم که خود را در لباس پوشیدن بر تو ترجیح بدهم. از پیامبر شنیدم که: «از آنچه می پوشید و می خورید به غلامان خود هم بپوشانید و بخورانید بین خودتان و آنها فرق نگذارید.»

این درحالی است که وضعیت لباس زنان وبویژه مردان درآلبانی بسیار تحقیر کننده ترازعکس فوق است:



تیرانا- کاشار- خیابان آستری- دویست متری پایگاه مفید ۱ تیرماه سال ۹۶ ساعت ۲۰ تا ۲۰۳۰- عکس و فیلم توسط سیامک نادری گرفته شده است.

اگر لباسهای دسته دوم مریم رجوی را حداقل در طی این ۱۴ سال پس از سرنگونی صدام به زنان مجاهد در اشرف ولیرتی و آلبانی می دادند، هر کدام از اینها حداقل یک دست لباس مناسب داشتند! و خودشان با چرخ خیاطی برای خودشان پُرو می کردند. اما دریغ، در این دستگاه، تنها مریم باید زیر پرژکتور باشد. تا او را رهبری کاریمان نشان دهند و همیشه لانسه باشد و همه زنان گرداگرد او بچرخند و تسبیح اش کنند.



در جامعه بی طبقه توحیدی نباید دونفر همچون ندیمه بنشینند کنار مریم رجوی تا عکس بگیرند. این زنان قرار بود همچون خودش (مریم) باشند. وقتی مریم رجوی خود به چنین کاری تن می دهد... ببینید پشت صحنه این عکسها چیست. مریم همین زنان را به رقص رهایی و برهنه شدن و همخوابگی با رجوی کشاند... و نام چنین عمل شنیع در فرقه رجوی رقص رهایی نام نهاد.

همان «زنان شورای رهبری» است، اینک به «شورای مرکزی سازمان» تنزل یافته اند. تا در صورت جدا شدن از سازمان، از آنها بعنوان عضو شورای رهبری یاد نکنند. این پشت صحنه ایست که رجوی تمام داستان تشکیل شورای مرکزی را در نشست ۱۱-۱۲ آبان ۹۳ بزبان آورد.

از خانم رجوی بپرسید:

وظایف و مسئولیت «شورای مرکزی زنان» چیست؟!.

وقتی رهبری عقیدتی رجوی هست و مریم رجوی آروزیش رژه رفتن بعنوان یک سرباز در برابر رجوی است. چندین لایه پایین تر از او، چه نقشی و جایگاهی جز سربازان اجرایی دارند؟ حال تحت هر نام و عنوانی...؟! جز آنکه آنها هم جلو مریم رژه بروند؟.





این زنان آنزمان همه در اشرف و لیبرتی شورای رهبری بودند! اینک شورای مرکزی شده اند. بازی با واژه ها و مفاهیم را برای تحمیل توتالیترایسم رهبری عقیدتی را می بینید؟.

نه تنها زنان، بلکه مردان نیز هزاران بار بیشتر دوست داشتند تا کارهای سخت و سنگین انجام دهند(کندن جاده های سبیس شده و بیرون آوردن سنگها و سنگ چینی با غچه ها و...) اما واردنشست های ایدئولوژیک مریم رجوی نشوند. این حرف من نیست. مسئولین سازمان هم، همیشه همین حرف را به ما می زدند، که یک مجاهد نیست که از بحث های ایدئولوژیک فراری نباشد.... اما برغم کارروانه سنگ چینی توسط ما، آنچه که حدیث ما و توتالیترایسم ایدئولوژیک است، تنها و تنها درچنین نماد و عکسی که ذیلاً می آورم، خلاصه می شود:



هرکدام از این سنگ ها، اعضای سازمان هستند و در سیم و حصار توالتیترسیم، مدفون.

سایت حقیقت مانا- سیامک نادری ۱۴ اسفند ۱۳۹۶